

شواهد تحریف تورات در قرآن کریم

دکتر نهله غروی نائینی* - عبدالله فروزانفر**

چکیده:

ذکر اقوام گذشته و یادکرد کتاب‌های نازل شده به سوی پیامبران‌شان از جمله مباحثی است که قرآن کریم بدان پرداخته است. قوم یهود و کتاب فرستاده شده به سوی آنان نیز یکی از مطالبی است که قرآن کریم در بسیاری از آیات آنها را یاد کرده است. قرآن درباره تورات - کتاب نازل شده بر حضرت موسی (ع) به سوی قوم یهود - کلام متفاوت دارد. از یک سوی آن را تصدیق و تأیید می‌کند و از طرف دیگر نسبت تحریف و تبدیل به این کتاب می‌دهد. در این مقاله چند و چون این مسأله مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه:

قرآن کریم، آخرین کتاب الهی و مکمل کتاب‌های آسمانی پیشین، تعابیر مختلفی درباره تورات و انجیل - کتب نازل شده بر قوم یهود و نصارا - دارد؛ گاه این دو کتاب را مورد تصدیق قرار داده و زمانی تحریف کنندگان را به نمایش گذاشته است، در این مجال دو امر تصدیق و تحریف تورات را از دیدگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌دهیم.

* عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

** کارشناس ارشد علوم قرآنی و حدیث .

در حال حاضر، تورات را در مجموعه‌ای بنام کتاب مقدس می‌بینیم که جزئیات آن چنین است:

«کتاب مقدس» مجموعه‌ای مشتمل بر دو کتاب عهد عتیق و عهد جدید می‌باشد که عهد عتیق در قسم اول کتاب واقع شده و مورد قبول یهودیان و مشتمل بر سی و نه سفر است.

به طور کلی عهد عتیق به سه بخش تقسیم می‌گردد:

- ۱- تورات (اسفار خمه) که پنج سفر اول عهد عتیق را شامل می‌شود و عبارتند از:
 - سفر تکوین (پیدایش)، که تاریخ اول خلقت تا وفات حضرت یوسف را در بر می‌گیرد و مشتمل بر پنجاه باب است.
 - سفر خروج، که از شمارش اسامی فرزندان یعقوب شروع شده است و درباره اعلان احکام یهود در کوه سینا بحث می‌کند و مشتمل بر چهل باب می‌باشد.
 - سفر احبار (لاویان)، که از حکم قربانی شروع می‌شود و درباره تنظیم احکام دینی و شرایع و قواعد و حدود سبط لاوی سخن می‌گوید و مشتمل بر بیست و هفت باب است.
 - سفر اعداد، که از سفرهای بنی اسرائیل در بیابان سینا و فتح سرزمین کنعان گفتگو می‌کند و سی و شش باب را در بر دارد.
 - سفر تثبیه، مشتمل بر شرایع و احکام عمومی است و با مرگ حضرت موسی (ع) پایان می‌پذیرد و سی و چهار باب دارد.
- ۲- کتوبیم (نوشته‌ها)، آثاری از ملت یهود است که دنباله تاریخ این دیانت بعد از وفات حضرت موسی (ع) و تحولات و عقاید آنان را بیان می‌کند.
- ۳- نبوئیم، که کتب انبیای بنی اسرائیل می‌باشد و اغلب به صورت رمز و کنایه در حالت رویا بیان شده است.

تورات از نگاه قرآن

قرآن کریم در سوره‌ها و آیات بسیاری به بیان سرگذشت بنی اسرائیل (قوم یهود) می‌پردازد و درباره کتاب نازل شده بر این قوم، دید تصدیقی و تکذیبی دارد، که به هر یک از این دو مورد می‌پردازیم:

تصدیق تورات:

قرآن کریم در آیاتی چند، تورات نازل شده بر حضرت موسی (ع) پیامبر قوم یهود - را مورد تصدیق قرار داده و به طور ضمنی دستور مراجعه و مطالعه به آن را صادر فرموده است: قل فاتوا بالتوراه فاتلوها (آل عمران ۹۳) بگو تورات را بیاورید و آن را بخوانید.

آیات دیگر که به تأیید و تصدیق تورات پرداخته‌اند فراوانند از جمله آیه ۸۹ بقره که می‌فرماید: «و لما جاءهم کتاب من عند الله مصدق لما معهم و كانوا من قبل يستفتحون علی الذین كفروا فلما جاءهم ماعرفوا كفروا...» و هنگامی که از جانب خداوند کتابی که مؤید آنچه نزد آنان است برایشان آمد، و از دیر باز (در انتظارش) بر کسانی که کافر شده بودند پیروزی می‌جستند، ولی همین که آنچه (که اوصافش) را می‌شناختند برایشان آمد، انکارش کردند... و «لما جاءهم رسول من عند الله مصدق لما معهم» (بقره ۱۰۱) و آنگاه که فرستاده‌ای از جانب خداوند برایشان آمد که آنچه (کتاب آسمانی‌شان) را با آنان بود تصدیق می‌داشت... و ۴۷ نساء که می‌فرماید: «یا ایها الذین اتوا الکتاب آمنوا بما نزلنا مصدقاً لما معکم... ای کسانی که به شما کتاب داده شده است، به آنچه بر (پیامبر اسلام) فرو فرستادیم و تصدیق کننده همان چیزی است که با شماست، ایمان آورید... و آیه ۴۱ بقره که در ادامه آیه چهارم آن خطاب به بنی اسرائیل می‌فرماید: «و آمنوا بما أنزلت مصدقاً لما معکم و لاتکونوا اول کافریه و لاتشتروا بآیتی ثمناً قليلاً» و بدانچه نازل کرده‌ام - که مؤید همان چیزی است که با شماست - ایمان آرید؛ و نخستین منکر آن نباشید و آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید.

علامه طباطبایی درباره این آیات می‌نویسد: «خدای سبحان در این آیات عتاب به ملت یهود را آغاز کرده و این عتاب در طی صد و چند آیه ادامه دارد و در آن نعمت‌هایی را که خدا بر یهود افاضه فرمود و کرامت‌هایی را که نسبت به آنان مبذول داشت و عکس‌العملی که یهود به صورت کفران و عصیان و عهد شکنی و تمرد و لجاجت از خود نشان داد، برمی‌شمرد

و به آنها می‌فرماید: از میان اهل کتاب و اقوام گذشته و آینده شما کفر به قرآن را آغاز مکنید.^۱

گرچه آیه: و مصدقاً لما بین یدی من التورات و لأحل لکم بعض الذی حرم علیکم:^۲ (آمده‌ام تا) تورات را که پیش از من (نازل شده) است تصدیق کننده باشم و پاره‌ای از آنچه را که بر شما حرام گردیده، برای شما حلال کنم که از زبان حضرت عیسی توسط قرآن کریم نقل می‌شود، در این باره خالی از لطف نیست زیرا که آخرین کتاب آسمانی با نقل آن از پیامبر قبلی، و نزول تورات از طرف خدا و الهی بودن برخی از احکام آنرا تأیید می‌کند.

از آیات فوق به خوبی ظاهر است که قرآن مطالبی از تورات را تصدیق می‌فرماید و مقصود از دو آیه ۸۹ و ۱۰۱ بقره این است که هنگامی که رسول خدا (ص) مبعوث شد و شریعت و کتابی آورد که شریعت و کتاب ایشان را تکمیل می‌کرد، به آن کافر شدند و زیر بارش نرفتند؛ با این که می‌دانستند که این همان پیامبری است که در کتاب‌های‌شان پیش‌گویی شده، و انبیای‌شان به آمدنش بشارت داده‌اند، هم چنانکه از مسیح نیز حکایت کرده که فرمود: یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصدقاً بما بین یدی من التوراه و مبشراً بر رسول یأتی من بعدی اسمہ احمد(صف ۶).

ذکر گفتار حضرت مسیح (ع) در قرآن، دلیل بر تأیید قرآن بر این گفتار و در نتیجه تصدیق تورات نازل شده توسط قرآن است.

مباحث موجود در تورات که قرآن کریم آنها را مورد تصدیق قرار داده است به سه بخش کلی: ایمان، وجود احکام و قوانین الهی در تورات و آگاهی از وجود مبارک رسول اکرم (ص) تقسیم می‌گردد.

۱- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت،

۱۹۷۳ م، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲- آل عمران، ۵۰.

الف) ایمان

قرآن کریم درباره مسئله ایمان که مشترک میان همه ادیان الهی است و دعوت همه پیامبران به این ایمان، می‌فرماید: «و آمنوا بما أنزلت مصداقاً لما معکم...» (بقره، ۴۱) و بدانچه نازل کرده‌ام (قرآن) که مؤید همان چیزی است که با شماست، ایمان آرید.

در این آیه خداوند به یهودیان خبر داده که تصدیق کردن قرآن در واقع به منزله تصدیق تورات است. چون آنچه در قرآن در مورد اقرار به نبوت پیامبر آمده همانند چیزی است که در تورات و انجیل در این باره وجود دارد.^۱

آیات الهی بار دیگر در تصدیق تورات می‌فرماید: انا انزلناه التوراه فیها هدی و نور یحکم بها النبیون (مانده ۴۴) ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود نازل کردیم. پیامبرانی که تسلیم (فرمان خدا) بودند، به موجب آن برای یهود حکم (داوری) می‌کردند.

یعنی در تورات چیزی از هدایت است که با آن هدایت می‌یابند و چیزی از نور هست که با آن معارف و احکام را طبق حال بنی اسرائیل و مقدار استعدادشان به دست می‌آورند.^۲

ب) احکام و قوانین الهی

قرآن حکیم در آیاتی چند اعلام می‌دارد که احکام و قوانین و حدود الهی در تورات وجود دارد، گرچه لفظ قرآن حکایت از نوشتن و ثبت قوانینی در تورات دارد؛ لکن چون یهود زمان پیامبر را مورد خطاب و قضاوت قرار می‌دهد، نشانه آن است که تورات موجود در آن زمان شامل چنین احکامی بوده و همه حکم‌های نوشته شده در تورات اولی از بین نرفته است همچنان که در آیاتی از سوره مانده به این مسأله اشاره شده است که می‌فرماید: «و کتبنا علیهم فیها أن النفس بالنفس و العین بالعين و الانف بالانف و الاذن بالاذن و السن بالسن و الجروح قصاص فمن تصدیق به فهو کفارة له و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم

۱- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلم القرآن، تصحیح و تعلیق سید هاشم رسول محلاتی، داراحیة التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۶، م: ج ۱، ص ۱۲۰.

۲- المیزان، ج ۵، ص ۳۴۳.

الظالمون: و در (تورات) بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان، و چشم در برابر چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان می‌باشد؛ و زخم‌ها قصاصی دارند و هر که از آن (قصاص) درگذرد، پس آن کفاره (گناهان) او خواهد بود و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده‌اند، آنان خود ستمگرند.

مفسرالمیزان ذیل این آیه می‌نویسد: این حکم قصاص در توراتی که امروز میان شان رواج دارد موجود است، چنانچه در اصحاح بیست و یکم از سفر خروج تورات این طور گفته شده: هر که انسانی را بزند و او بمیرد (کشته شود)، ولی آنکه عمداً نکرده بلکه خداوند در دستی واقع ساخته است من برایش جایی قرار می‌دهم که به آنجا فرار کند....

و اگر اذیتی پیدا شد، تنی به تنی داده می‌شود و چشمی به چشمی و دندانی به دندانی و دستی به دستی و پایی به پایی و سوزندانی به سوزاندنی و جراحی به جراحی و کوبیدنی به کوبیدنی. و در اصحاح بیست و چهارم از سفر لاوین تورات چنین ذکر شده: و چون کسی انسانی را میراند و کشته می‌شود و هر که حیوانی را بمیراند و در عوض تنی به تنی گرفته می‌شود و چون انسان در نظیر خود عیبی احداث کند همان طور که کرده به او انجام می‌شود. شکستن به شکستن و چشم به چشم و دندان به دندان، همان طور که در انسان عیبی ایجاد کرد همان طور در او ایجاد می‌شود.^۱

نیز در آیه ۳۲ همین سوره می‌فرماید: «من اجل ذلك كتبنا على بني اسرائيل انه من قتل نفساً بغير نفس أو فساد في الارض فكانما قتل الناس جميعاً و من أحيها فكانما أحيا الناس جميعاً و لقد جاءتهم رسالنا بالبينات ثم ان كثيراً منهم بعد ذلك في الارض لمسرفون: از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز به قصاص قتل، یا (به کیفر) فسادی در زمین - بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر کس کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است، و قطعاً پیامبران ما دلایل آشکار برای آنان آوردند، (با این همه) پس از آن بسیاری از ایشان در زمین زیاده‌روی می‌کنند.

در مسایل مالی مانند ربا نیز قرآن کریم گوشزد می‌فرماید که آنان را نهی کردیم: و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه و أكلهم أموال الناس بالباطل و أعتدنا للكافرين منهم عذاباً أليماً^۱: و (به سبب) ربا گرفتن شان با آنکه از آن نهی شده بودند- و به ناروا مال مردم خوردن شان؛ و ما برای کافران آنان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم.

همچنین قرآن کریم مواردی از احکام اطعمه و اشربه یهود در تورات را متذکر می‌شود: آیه ۹۳ ال عمران که در رد ادعای یهود مبنی بر حرام دانستن پاره‌ای از خوردنی‌ها- مانند شیر و گوشت شتر- که در قرآن حلال شمرده شده‌اند، نازل شده است^۲ که می‌فرماید: «كل الطعام كان حلالاً لبني اسرائيل الا ما حرم اسرائيل على نفسه من قبل ان تنزل التوراة قل فأتوا بالتوراة فاتلوها ان كنتم صادقين». همه خوراکی‌ها بر فرزندان اسرائیل^۳. (يعقوب) حلال بود، جز آنچه پیش از نزول تورات، اسرائیل (يعقوب) بر خویشتن حرام ساخته بود. بگو: «اگر (جزاین است) و) راست می‌گویید، تورات را بیاورید و آن را بخوانید.

طبری ذیل ادامه همین آیه «قل فاتوا بالتوراه فاتلوها» می‌نویسد: ای محمد به یهودیان مظنونی که می‌گویند، خداوند گوشت شیر و شتر را در تورات بر آنها حرام کرده، بگو تورات را بیاورند و آن را بخوانند تا اینکه مطلب بر آنها روشن شود.^۴

علامه طباطبایی نیز در بیان این آیه می‌گوید: به چیزی که مأكول باشد و مورد تغذیه‌ی آدمی واقع شود «طعام» گویند و استثنا در جمله «الا ما حرم اسرائيل على نفسه» مربوط به «طعام» مذکور در آیه است. بنابراین معنا چنین می‌شود: خداوند پیش از نزول تورات هیچ یک

۱- نساء، ۱۶۱

۲- المیزان، ج ۳، صص ۳۴۵-۳۴۶.

۳- اسرائیل نام حضرت یعقوب (ع) است و اینکه او را به این نام گفته‌اند، به سبب آنست که در راه خدا مجاهد بود و به واسطه خداوند مظفر و پیروز شد. اهل کتاب درباره این وجه تسمیه گویند: او هنگام کشتی گرفتن با خدا در جایی به نام «فنی ثیل» بر خدا غالب شد! موضوع کشتی گرفتن با خدا در تورات ذکر شده، لکن قرآن شریف آن را تکذیب می‌کند و عقل هم آن را محال می‌داند (المیزان، ج ۳، ص ۳۹۵)

۴- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تاویل القرآن (تفسیر طبری)، درالفکر، بیروت، ۱۹۹۹ م: ج

از خوردنی‌ها را بر بنی اسرائیل حرام نکرد، مگر آنچه را که اسرائیل بر خود حرام کرد. بنی اسرائیل منکر حلیت طعام‌ها - قبل از نزول تورات - بوده‌اند.^۱ از این گفتار، آشکار می‌گردد که حکم حلالیت گوشت و شیر شتر در تورات عصر رسول خدا (ص) هم وجود داشته است. مفسر المیزان - ذیل آیه ۴۳ مائده «و کیف یحکمونک و عندهم التوراة فیها حکم الله» چگونه ترا را داور قرار می‌دهند، با آنکه تورات نزد آنان است که در آن حکم خدا آمده است - می‌نویسد: «تعجیبی از رفتار ایشان است که ملتی هستند که خود کتاب و شریعت دارند و از طرفی منکر نبوت و کتاب و شرع رسول الله (ص) هستند و آنگاه به جریانی که در کتاب خودشان حکمش هست مبتلا می‌شوند و با این که تورات نزدشان هست و حکم خدا در آن است پشت کرده، اعراض می‌نمایند.

در این آیه اجمالاً توراتی که امروز در دست یهود است، تصدیق شده است. این همان توراتی است که عزرا با اجازه کورش پادشاه ایران پس از فتح بابل و نجات بابلی‌ها از اسارت نوشته و جمع‌آوری کرد، و این همان توراتی است که زمان پیامبر (ص) در دست ایشان بوده و امروزه نیز هست. آیه به وجود حکم خدا در تورات موجود در دست یهود زمان رسول الله (ص) اشاره دارد و بدین ترتیب آن را تصدیق می‌کند.

از این‌ها همه به دست می‌آید که توراتی که امروز در دست‌شان است، مقداری از تورات اصلی را که بر موسی (ع) نازل شده دارد.^۲

ج) آگاهی از وجود مبارک رسول اکرم (ص)

قرآن کریم از آگاه بودن اهل کتاب (قوم یهود) از آمدن رسول اکرم (ص) خبر می‌دهد و اعلان می‌فرماید که ایشان مشخصات پیامبر آخر زمان و پیروان او و خصوصیات‌شان را می‌دانند، و بدین ترتیب دسته دیگری از مطالب موجود در تورات را تصدیق می‌کند. لذا می‌فرماید: الذین آتیناهم الکتاب یعرفونه کما یعرفون ابنائهم و ان فریقاً منهم لیکتمون الحق و

۱- المیزان، ج ۳، ص ۳۹۵.

۲- المیزان، ج ۵، ص ۳۴۲.

هم یعلمون (۱۴۶ بقره) کسانی که به ایشان کتاب (آسمانی) داده‌ایم، همان گونه که پسران خود را می‌شناسند، او (محمد «ص») را می‌شناسند، و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می‌دارند و خودشان می‌دانند.

کلینی درباره این آیه به سند خود از امیرالمومنین (ع) نقل می‌کند که فرمود: اینها قوم یهود و نصاری هستند که محمد (ص) و ولایت را از تورات و انجیل می‌شناسند، همان گونه که به فرزندان خود شناخت دارند^۱. علی بن ابراهیم قمی نیز با سند خود از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: این آیه درباره یهود و نصاری نازل شد، و این بدان جهت است که خدای عزوجل در تورات و انجیل و زبور، صفات رسول خدا (ص) و صفات اصحابش و مهاجرتش را ذکر کرده بود و همان را در قرآن حکایت کرده و می‌فرماید: محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریمهم رکعاً سجداً فضلاً من الله و رضواناً سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الانجیل (۲۹ فتح) محمد (ص) پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر و با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی فضل و خوشنودی خدا را خواستارند. نشانه‌هایشان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است، این است مثل آنان در تورات، و همین است مثل آنان در انجیل. پس صفات رسول خدا (ص) و اصحابش در تورات بوده و هنگامی که خداوند آن حضرت را مبعوث فرمود، اهل کتاب آن جناب را شناختند.^۲

و در سوره اعراف می‌فرماید: الذین یتبعون الرسول النبی الامی الذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التواره و الانجیل یأمرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم

۱- عن امیر المومنین (ع) قال اما اصحاب المشامه فهم اليهود و النصارى یقول الله عزو جل «الذینس آتیناهم الکتاب یعرفونه کما یعرفون ابنائهم» یعرفون محمداً والولایه فی التوریه و الانجیل کما یعرفون فی منازهم «و ان فریقاً منهم لیکتبون الحق و هم یعلمون الحق من ربک» انک انت الرسول الیهیم «فلاتکونن من الممترین» ... (بحراق، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن: ۴: ج، موسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳: ج ۱، ص ۱۶۱).

الخبائث و يضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت عليهم... (۱۵۷) همانا که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده - که (نام) او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند - پیروی می‌کنند، (پیغمبری) که آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد و چیزهای پاکیزه را حلال‌شان می‌کند و پلیدی‌ها را حرام می‌کند، تکلیف‌گران‌شان با قیدهایی که بر آنها بوده است، برمی‌دارد....

علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد: "ظاهر آیه دلالت و یا حداقل اشعار دارد بر اینکه مسأله امر به معروف و نهی از منکر و خلاصه امور پنچگانه که رسول خدا (ص) در این آیه به آن امور وصف شده، همه نشانه‌ای از آن حضرت در تورات و انجیل است."^۱
پس صفات رسول خدا (ص) در تورات ذکر شده بود و هنگامی که خداوند آن حضرت را مبعوث فرمود، اهل کتاب او را شناختند، لیکن انکارش کردند. همچنان که خود قرآن می‌فرماید: فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به (بقره ۸۹).

بنابراین قرآن کریم آن بخش از تورات را که محفوظ مانده، مورد تصدیق قرار داده و آن را وسیله حکم و هدایت قوم یهود می‌داند و بدیشان توصیه می‌فرماید که به آن رجوع کنند.

تصدیق نکردن تورات

قرآن کریم در پاره‌ای از آیات تورات موجود در دست یهودیان را تصدیق نمی‌کند و آن را تحریف شده و تغییر و تبدیل یافته معرفی می‌نماید. قبل از بیان آیات مربوط به تحریف تورات، معنای تحریف و انواع آن را اجمالاً بررسی می‌کنیم.

تحریف

ابن فارس ریشه (ح ر ف) را دارای سه اصل می‌داند: محدوده یک چیز، سرپیچی و انحراف، اندازه یک چیز. درباره آیه «و من الناس من یعبد الله علی حرف» (۱۱ حج) می‌گوید: یعنی علی وجه واحد^۱ و صحاح اللغه می‌نویسد: حرف هر چیز یعنی طرف و شفیر و حد آن.

شیخ طوسی می‌نویسد: حرف، منتهای جسم است، انحراف یعنی انعدال به یک سوی، تحریف القول یعنی عدول آن از استواری و استقامت.^۱

نیز درباره این کلمه آمده است: اصل در این ماده یک چیز است و آن عبارت است از طرف الشیء و انتهای آن یعنی کناره و لبه آن و حرفه یعنی آن را از جایگاه و موضع و اعتدالش خارج کردم این کلمه در فارسی به معنای کنار است. با این بیان به معنی میل و عدول به کار می‌رود. از نظر خارج شدن از جایگاه گفته می‌شود: انحراف عن کذا و حرفه هنگامی است که چیزی از جای خودش و اعتدالش خارج شود.^۲

بنابراین تحریف از (ح ر ف) به معنای وارونه کردن، گرداندن و از سویی به سویی رو نمودن است. بر گرفته از حرف الشیء، به معنای گوشه و کرانه آن، می‌باشد. قرآن کریم این واژه را چنین بکار برده است: «و من الناس من یعبدالله علی حرف فان اصابه خیر اطمأن به و ان اصابته فتنة انقلب علی وجهه (حج ۱۱) از میان مردم کسی است که خدا را فقط بر زبان (بدون عمل) می‌پرستد. پس اگر خیری به او برسد، بدان اطمینان یابد، و چون بلایی بدو رسد روی برتابد. زمخشری در تفسیر آیه می‌گوید: اینان پیوسته بر کناره دین قرار دارند، نه در وسط و قلب دین. این بر اثر اضطراب و تزلزل آنان در دین است. هیچ‌گاه آرامش خاطر ندارند، همانند کسی که بر کناره لشکر حرکت می‌کند تا هرگاه پیروزی و غنیمت نصیب گردید، پابرجا و شریک دیگران باشد و گرنه پا به فرار گذارده، راه نجات خود را پی بگیرد.^۳

۱- ابن فارس بن زکریا ، احمد ؛ معجم مقایس اللغة ؛ تحقیق و ضبط : عبدالسلام محمد هارون ، قم ، منکب الاعلام الاسلامی ، ۱۴۰۴ : ج ۲

۲- طوسی ، محمد بن حسن ؛ التبیان فی تفسیر القرآن ؛ ۱۰ ج ، دارالحیاء التراث العربی ، بیروت ؛ ج ۷ ، ص ۲۹۶ .

۳- مصطفوی تبریزی ، حسن ؛ التحقیق فی کلمات القرآن کریم ؛ ۱۴ ج ، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تهران ، ۱۴۱۶ : ج ۱ ، ص ۱۹۸ .

۴- زمخشری ، محمود بن عمر ؛ الکشاف عن حقائق عوامض التزیل ؛ تصحیح مصطفی حسن احمد ، ۴ ج ، دارالکتاب العربی ، بیروت . ۱۴۰۷-۱۹۸۷ : ج ۳ ، ص ۱۴۶ .

انواع تحریف

تحریف بر دو گونه است: تحریف لفظی و تحریف معنوی

الف) تحریف لفظی، که تحریف در الفاظ و واژه‌هاست که با تغییر جای الفاظ یا مقدم و مؤخر کردن آنها و یا با اضافه کردن لفظ امکان‌پذیر است.

رشیدرضا می‌نویسد: منظور از تحریف لفظی، مقدم و مؤخر کردن لفظ یا تبدیل کلمه‌ای به کلمه دیگر یا مخفی نمودن آن و یا زیاد و کم کردن لفظ است.^۱ علامه طباطبایی تحریف لفظی را، تغییر جایگاه الفاظ، یعنی مقدم و مؤخر کردن یا حذف و اضافه نمودن لفظ، می‌داند.^۲

ب) تحریف معنوی عبارتست از حمل لفظ بر غیر آنچه برای آن وضع شده است؛^۳ یا تفسیر کلمات به غیر مراد از آن؛ کناره زدن از مسیر طبیعی آن است. مسیر طبیعی الفاظ و عبارات همان افاده معانی حقیقی و مراد واقعی آنهاست و در صورت انحراف از آن معانی، تحریف تحقق می‌یابد، لذا تحریف کلام را تفسیر نمودن آن برخلاف آنچه ظاهر آن است، گویند. نیز آمده است: مراد از تحریف معنوی، تحلیل و استنتاج به خطا و تفسیر کلام مخالف مقصود حقیقی متکلم است.^۴

تحریف تورات

تحریف کلمات و عبارات تورات مطلبی است که در پاره‌ای از آیات قرآن کریم به یهودیان نسبت داده شده است، چنانکه می‌فرماید: «من الذین هادوا یحرفون الکلم عن مواضعه» (نساء ۴۷) از کسانی که هدایت شده‌اند (یهود) کلمه را از جایش منحرف می‌کنند.

۱- رشیدرضا، محمد؛ تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار؛ جاب دوم، دارالمعرفه بیروت؛ ج ۶، ص ۲۸۲ و ۳۸۹.

۲- المیزان؛ ج ۴، ص ۳۶۴.

۳- تفسیر المنار؛ ج ۶، ص ۲۸۲ و ۳۸۹.

۴- محمدی، فتح الله؛ سلامة القرآن من التحریف، انتشارات پیام آزادی، تهران، ۱۳۷۸؛ ج ۱، ص ۱۲.

طبرسی ذیل این قسمت آیه می‌نویسد: یعنی غیر آن معنایی که نازل شده آن را تفسیر می‌کنند و صفت پیامبر (ص) را تغییر می‌دهند. تحریف به دو گونه است: یک سوء تأویل و دیگری تغییر و تبدیل، همان گونه که خداوند می‌فرماید: یقولون هومن عندالله و ماهو من عندالله.^۱

برخی گفته‌اند: یعنی کلمات و جملات را خارج از جایگاهش قرار می‌دهند، یا از نظر ظاهر و مکان و محل کلمه یا از نظر معنی.^۲

این که منظور از تحریف کلمات و واژه‌ها چیست؟ موضوعی است که در اینجا در صدد تبیین آن هستیم. چنان که پیشتر گفتیم تحریف یا لفظی است و یا معنوی.

تحریف لفظی تورات

جابه‌جایی کلمات کتاب و یا مقدم و مؤخر کردن آنها یکی از جنبه‌های تحریف لفظی تورات است که به دست علمای یهود واقع شده و قرآن کریم در آیاتی بدان اشاره کرده است، هم چنان که می‌فرماید: «من الذین هادوا یحرفون الکلم عن مواضعه» (نساء ۴۷) از آنان که هدایت یافتند (یهود) کلمه را در جایگاهش تحریف می‌کنند. و آیه ۷۵ بقره که خطاب به پیروان رسول الله (ص) می‌فرماید: «افتطمعون أن یؤمنوا لکم و قد کان فریق منهم یسمعون کلام الله ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه و هم یعلمون» آیا طمع دارید که (اینان) به شما ایمان بیاورند؟ با آنکه گروهی از آنها سخنان خدا را می‌شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند و خودشان هم می‌دانستند. اظهار می‌دارد که یهود با داشتن علم و تعقل تحریف کردند. طبری نیز می‌نویسد: «تحریف و تبدیل معنای کلام الهی به یهودیان نسبت داده شده است».^۳

۱- مجمع البیان : ج ۲ ، ص ۱۷۳

۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم : ج ۱ ، ص ۱۹۹.

۳- تفسیر طبری : ج ۱ ، صص ۵۲۱-۵۲۲

نوع دیگر تحریف لفظی تورات افزودن یا کم کردن کلمات یا عبارات آنست که بوسیله آگاهان می‌تواند رخ دهد، هم چنان که در آیه ۷۹ بقره می‌خوانیم: «فویل للذین یکتبون الکتاب بایدبهم ثم یقولون هذا من عندالله پشتروا به ثمناً قلیلاً» پس وای بر کسانی که کتاب را با دست‌های خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: این از جانب خداست، تا آن را به بهای اندک بفروشند.

مقصود این آیه یهودیانی از بنی اسرائیل هستند که کتاب خدا را تحریف کردند و کتابی را براساس آنچه خودشان تأویل کردند و مخالف با نازل شده خدا بر پیامبرش (موسی) بود نوشتند و آن را به خدا نسبت دادند.^۱

از ابن عباس در تفسیر آیه (۷۸ آل عمران) نقل شده که عده‌ای از یهودیان آنچه را که از جانب خدا نازل نشده بود به کتاب خدا می‌افزودند، هم چنان که آیه بر این معنا اشعار دارد: «و ان منهم لفریقاً یلوون ألسنتهم بالکتاب لتحسبوه من الکتاب و ما هو من الکتاب و یقولون هو من عندالله و یقولون علی الله الکذب و هم یعلمون» و از میان آنان گروهی هستند که زبان خود را به (خواندن) کتاب (تحریف شده‌ای می‌پیچانند، تا آن (برباخته) را از (مطالب) کتاب آسمانی پندارید، با آنکه (آن مطالب) از کتاب آسمانی نیست و می‌گویند: آن از جانب خداست، در صورتی که از جانب خدا نیست و بر خدا دروغ می‌بندند، با اینکه خودشان هم می‌دانند. منظور از «یلوون» در این آیه یحرفون است.^۲

پس یهود، پاره‌ای از مطالب از پیش ساخته خود را به کتاب خدا می‌افزودند و در عین حال آنها را به خدا نسبت می‌دادند.

طبری ذیل آیه ۱۳ مائده که می‌فرماید: فیما نقضهم میثاقهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسیه یحرفون الکلم عن مواضعه و نسوا حظاً مما ذکرُوا به پس به سزای پیمان شکستن‌شان لعنت‌شان کردیم و دل‌های‌شان را سخت گردانیدیم، به گونه‌ای که کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند.

۱- تفسیر طبری: ج ۱، ص ۵۳۵.

۲- تفسیر طبری: ج ۳، صص ۴۳۸-۴۳۹.

می نویسد: پس از ذکر عهدشکنی به عنوان عادت سلف و خلف یهودیان، می فرماید: یهودیان نیز به خاطر این که خداوند توفیق هدایت و ایمان را از قلوب شان (به سبب عهدشکنی) سلب کرده بود، کلام پروردگارشان (تورات) را که بر حضرت موسی (ع) نازل شده بود، تحریف کرده و با دست‌های شان غیر از آنچه بر موسی (ع) نازل شده، می نوشتند و به جاهلان می گفتند این کلام خداوند و توراتی است که به آن حضرت نازل شده است.^۱

علامه طباطبایی نیز می گوید: خداوند پاداش کفر به پیمان مزبور را اولاً به طور اجمال گمراهی از راه میانه ذکر فرمود و سپس در این آیه بلاهایی را به تفصیل ذکر می کند که برخی مانند لعن و سخت شدن دل‌ها را به خود و بعضی مانند تحریف کلمه از جایش را به آنها نسبت می دهد و به طور کلی می فرماید: به جهت یک نقضی که به پیمان خود کرده بودند، لعنت‌شان کردیم و «لعن» همان دور کردن از رحمت است. «و جعلنا قلوبهم قاسیه» قساوت قلب از قساوت سنگ گرفته شده که همان سختی و سفتی آن است و قلب (قسی) سخت قلبی است که برای حق خاشع نبوده و با هیچ رحمت و عطوفتی تحت تأثیر واقع نشده، تسلیم نمی شود. به هر حال دنبال قساوت دل‌هاشان می فرماید: آنان تجاوز کرده، با حذف کردن و یا زیاد کردن یا تغییر دادن - که همه تحریف است - حقایق صاف و خالصی از دین را از دست دادند در نتیجه با از دست دادن سعادت، شقاوت جای گیر آن می شود.^۲

تحریف معنوی تورات

کتمان و مخفی کردن حقایق تورات، نوع دیگر تحریف آن است که قرآن کریم درباره آن سخن رانده که می توان از آن به تحریف معنوی تورات تعبیر کرد. زیرا که این نوع تحریف در لفظ، تنها نبوده بلکه معنای کلام تحریف شده است، چنان که می فرماید: «الذین آتیناهم الكتاب يعرفونه كما يعرفون أبناءهم وان فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون» (بقره ۱۴۶) کسانی که به آنها کتاب آسمانی دادیم، همان گونه که پسران خود را می شناسند، او

۱- تفسیر طبری: ج ۶، صص ۲۱۱-۲۱۲.

۲- المیزان، ج ۵، ص ۲۴۰.

(محمد) را می‌شناسند و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می‌دارند و خودشان هم می‌دانند.

یعنی اهل کتاب رسول خدا را به وسیله بشارت‌های کتاب مانند فرزندان‌شان می‌شناسند، لکن عده‌ای از آنها با این که می‌دانند، حق را پنهان می‌دارند و این التفات کلام از حضور به غیبت که در کلمه «يعرفونه» ضمیر هاء به پیامبر (ص) برمی‌گردد و به صورت غایب است در حالی که خطاب آیه به آن جناب و برای توضیح این امر است که موضوع آن حضرت برای اهل کتاب آشکار و ظاهر است.^۱

طبری ذیل این آیه می‌نویسد: «گروهی از یهودیان و نصاری حقیقت را (قبله‌ای که خداوند پیامبر(ص) را به سوی آن متوجه فرمود) کتمان می‌کنند و فرمان رسول‌الله(ص) را علی‌رغم این که در تورات و انجیل به صورت مکتوب می‌بینند، مخفی نگه می‌دارند» (۳۴). خداوند در آیه ۱۷۴ بقره سرنوشت اینگونه افراد چه اهل کتاب و چه مسلمانان - را بیان می‌فرماید: ان الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتاب و يشترُونَ به ثمناً قليلاً أولئك ما يأكلون في بطونهم الا النار و لا يكلمهم الله يوم القيامة و لا يزيهم و لهم عذاب أليم... کسانی که آنچه را خداوند از کتاب نازل کرده، پنهان می‌دارند و (در برابر) آن بهای ناچیزی به دست می‌آورند، آنان جز آتش در شکم‌های خویش فرو نبرند و خدا روز قیامت با آنها سخن نخواهد گفت و پاک‌شان نخواهد کرد و عذابی دردناک خواهند داشت. مقصود از اینان، دانشمندان یهوداند که محمد(ص) و نبوتش را در حالی که در تورات به صورت مکتوب می‌بینند، کتمان می‌کنند. (۳۵)

آیه شریفه متعرض اهل کتاب است، زیرا در میان آنان بسیاری از عبادات و غیره بوده که خدا حلال و طیبش کرده، ولی بزرگان و رؤسای آنان حرامش کرده بودند- و کتابی هم که نزد ایشان بود آن چیزها را تحریم نمی‌کرد- و اگر بزرگان ایشان احکام خدا را کتمان می‌کردند، برای این بود که زرق ریاست و ابهت مقام و جاه و مال خود را زیاده‌تر کنند. دلالت آیه شریفه بر تجسم اعمال و تحقق نتایج آن، بر کسی پوشیده نیست، اولاً می‌فرماید: اینکه

علمای اهل کتاب احکام نازل از ناحیه خدا را در برابر بهائی اندک فروختند، همین اختیار ثمن اندک عبارتست از خوردن آتش و فرو بردن آن در شکم، و ثانیاً در آیه دوم همین اختیار کتمان و گرفتن ثمن در برابر احکام خدا را مبدل کرد به اختیار ضلالت بر هدایت، و ثالثاً این اختیار را هم مبدل کرد به اختیار عذاب بر مغفرت، و در آخر مطلب را با جمله «فما اصبرهم علی النار» (۱۷۵ بقره) پس به راستی چه اندازه باید بر آتش شکبیا باشند! ختم فرمود، و آن جرمی که از ایشان بیشتر به چشم می‌خورد و روشن تر است، این است که بر این کتمان خود ادامه می‌دهند و بر آن اصرار می‌ورزند.^۱

مخفی کردن حقایق تورات به صورت تحریف معنوی، شیوه‌ای مرسوم در بین یهود بوده است و قرآن کریم در چند آیه این مطلب را بیان می‌دارد: یا اهل الکتاب قد جاءکم رسولنا بین لکم کثیراً مما کنتم تخفون من الکتاب و یعفوا عن کثیر (مائده ۱۵) ای اهل کتاب، پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از چیزهایی از کتاب (آسمانی) خود را که پوشیده می‌داشتید، برای شما بیان کند، و از اهل کتاب از یهود و نصاری معاصر پیامبر (ص) خطاب می‌کند که رسول ما خداوند در این آیه به گروهی از اهل کتاب شما بود و از مردم پنهان می‌کردید، برای آنها بیان کند که از جمله آنها رجم زناکار محصنه است.^۲ نیز در آیه ۱۸۷ آل عمران می‌فرماید: «و اذا اخذ الله میثاق الذین اتوا الکتاب لتیننه للناس و لاتکتُمونه فنبذوره وراء ظهورهم و اشتروا به ثمناً فبنس ما یشترون»

و (یادکن) هنگامی را که خداوند از کسانی که کتاب به آنان داده شده، پیمان گرفت که حتماً باید آن را برای مردم بیان نمایند و کتمانش نکنید، آنان این پیمان را پشت سر انداختند و در برابر آن بهایی ناچیز به دست آوردند و چه بد معامله‌ای کردند!

آیات دیگری نیز بر عمل نکردن یهود به کتاب آسمانی‌شان که نتیجه تحریف آن است، گواهی می‌دهد، هم چنان که می‌فرماید: «قل یا اهل الکتاب لستم علی شیء حتی تقیموا التوراه و الانجیل و ما انزل الیکم من ربکم (مائده ۶۸) بگو ای اهل کتاب تا (هنگامی که) به تورات و

۱- تفسیر طبری، ج ۲، صص ۳۷-۳۸.

۲- تفسیر طبری، ج ۶، ص ۲۱۹.

انجیل و آنچه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است، عمل نکرده‌اید بر هیچ (آیین برحقی) نیستید.

و آیه ۶۶ مائده که می‌فرماید: و لو انهم اقاموا التوراه و الانجیل و ما انزل الیهم من ربهم لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم.... و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارشان به سویشان نازل شده است، عمل می‌کردند، قطعاً از بالای سرشان (برکات آسمانی) و از زیر پاهایشان (برکات زمینی) برخوردار می‌شدند.

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: مقصود از تورات و انجیل آن دو کتابست که خداوند بر حضرت موسی و عیسی نازل فرمود: نه این کتاب‌هایی که فعلاً در دست است و به نام انجیل و تورات نامیده می‌شوند، چه اینها تورات و انجیل حقیقی و آسمانی نیستند؛ بلکه مجموعه‌ای هستند که دست تحریف به این صورتشان درآورده است و مراد از جمله ما انزل الیهم که بعد از تورات و انجیل ذکر شده، سایر کتبی که به انبیاء سلف منسوب می‌باشد، است؛ و آن روز در دسترس اهل کتاب بوده است مانند زبور حضرت داود(ع) و امثال آن. مراد از اقامه این کتاب‌ها حفظ عملی یعنی به کار رفتن دستورات آنهاست در میان جامعه و عمل کردن همه به شرایع آن، و اعتقاد به معارفی است که راجع به مبدأ و معاد در آنها بیان شده است؛ البته آن کتاب‌هایی که دستخوش تحریف مغرضین نشده و یا از بین نرفته است؛ چه تحریف شده‌های آنها از اعتبار ساقط و از بین رفته‌های آنها هم مورد امر و مأمور به نیست.^۱

نتیجه:

با توجه به مطالب ارائه شده در این مقاله، مشاهده می‌شود که تورات نازل شده بر حضرت موسی در گذر زمان دستخوش تحریفات و تغییراتی شده و از حالت و حیاتی بودن، خارج گردیده است و آنچه اکنون در اختیار قوم یهود است تحریف گونه ای از کتاب نازل شده الهی می‌باشد. آیات قرآن کریم به صراحت دلالت دارد که تحریف به هر دو شکل (لفظی و معنوی) در تورات رخ داده و این کتاب تا حد کلام بشری تنزل یافته است، لیکن به سبب و حیانی بودن منشأ این کتاب، هنوز هم پاره‌ای از احکام و اخبار صحیح در آن یافت می‌شود.